

## آثار و پیامدهای حقوقی ازدواج سفید در ایران

فاطمه مخلصی<sup>۱</sup>

زهرا سجادی<sup>۲</sup>

محمد مغربی کته شمشیر<sup>۳</sup>

۴۵

### چکیده

ازدواج سفید، برخلاف ظاهر زیبا و فریبنده‌اش، بیانگر رابطه نامشروع، غیرقانونی و هم‌جنس‌گرای دو جنس مخالف در مکانی مشترک است. رابطه‌ای که خارج از تعهدات ازدواج بوده و دو طرف صرفاً جهت ارضای نیاز جنسی، در مسکن مشترک سکنی می‌گزینند. ازدواج سفید، بسان بسیاری از پدیده‌های شوم، در دامن فرهنگ دین‌ستیز غرب، تولد یافت و به لطف فناوری، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی، رشدی قارچ‌گونه پیدا کرد و به سایر نقاط جهان سرایت نمود. جای بسی تأسف است که در سالیان اخیر نیز شاهد رواج و گسترش این پدیده شوم در کشور هستیم. پر واضح است که هدف از رواج و گسترش این نوع ازدواج،

۱. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، مدرسه نرجس فریمان. fateme.mokhlesi@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی، مدرسه نرجس تربت جام. zahrasajadi2@gmail.com

۳. دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد.

اهدافی مثل حرمت‌زدایی از جامعه، دور کردن افراد جامعه از سبک زندگی اسلامی ایرانی و عادی جلوه دادن ارتباط نامشروع است که به‌طور قطع، مخالف با فرهنگ دینی و هویت ایرانی است و به تعبیر مقام معظم رهبری، نوک پیکان جنگ نرم دشمن به‌سوی فروپاشی خانواده‌های ایرانی است. بنابراین همین امر اهمیت مسئله حاضر را دوچندان می‌کند؛ چرا که این ازدواج آسیب‌های حقوقی، اجتماعی و روانی زیادی از جمله کم‌شدن حس مسئولیت، کم‌شدن اعتماد زوجین به یکدیگر، افزایش سقط‌جنین نامشروع، عدم تعلق حقوق مالی به زن، خانواده و مشکلات دیگری به‌خصوص برای قشر زنان ایجاد می‌کند. روش مقاله حاضر، توصیفی و تحلیلی و روش گردآوری مطالب به‌صورت کتابخانه‌ای با استفاده از منابع معتبر دینی و سایت‌های مربوط است.

### کلیدواژه‌ها: ازدواج سفید، روابط نامشروع، مهریه، نفقه.

#### مقدمه

ازدواج سفید نوع دیگری از زندگی مشترک است که متأسفانه در حال رشد و نهادینه‌شدن در جامعه است، که نه‌تنها با شرع و قانون تباین داشته بلکه عرف جامعه هم تمایلی به پذیرش آن ندارد. ازدواج سفید که زادگاهش کشورهای غربی بوده، به کشورهای اسلامی نیز سرایت کرده و گسترش آن در سال‌های اخیر نیز، دامن‌گیر جامعه ایرانی شده است. از پیامدهای نامیمون این ازدواج می‌توان به فرار از ازدواج رسمی و شرعی و شانه خالی کردن از بار مسئولیت و تشکیل خانواده، اشاره کرد.

در این پدیده مجرمانه، زن و مرد بدون وجود علقه زوجیت و بدون جاری‌شدن صیغه عقد دائم یا موقت و همچنین بدون ثبت رسمی ازدواج، شروع به زندگی مشترک و زناشویی می‌نمایند. این مقاله درصدد تبیین پیامدها و مخاطراتی است که این نوع ازدواج در کشور اسلامی ایران برای قشر زنان دارد.

پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده، بیشتر به معرفی پیامدهای کلی ازدواج سفید، پرداخته است؛ اما در این پژوهش سعی شده، پیامدهایی که بیشتر، خانواده و خصوصاً قشر

زنان جامعه اسلامی را مورد تهدید قرار می‌دهد با تفصیل بیشتر و با استفاده از احکام فقهی و قوانین مدون جاری مورد بررسی قرار گیرد.

همچنین در این مقاله نیز سعی شده به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

- ۱- ازدواج سفید چیست؟
- ۲- ممنوعیت ازدواج سفید در ایران بر مبنای چه ادله‌ای استوار است؟
- ۳- ازدواج سفید در غرب با ازدواج سفید در ایران چه تمایزاتی دارد؟
- ۴- پیامدهای ازدواج سفید در ایران چه خطراتی را برای قشر زنان در پی دارد؟

### ۱- ازدواج سفید

این روزها در کشور ما، نوع دیگری از زندگی مشترک در حال شکل‌گیری است که نه تنها مطابق شرع و قانون نیست، بلکه عرف جامعه هم تمایلی به پذیرش آن ندارد. این نوع زندگی مشترک میان جوانان کشور به ازدواج سفید تعبیر می‌شود. وجه تسمیه این نوع ازدواج، سفید بودن شناسنامه دختر و پسر و درج‌نشدن نام آن‌ها در شناسنامه یکدیگر است. به عبارت بهتر، این شکل از ازدواج در محضر ثبت نمی‌شود. (مینویی، ۱۳۹۳: ۱/۵)

ازدواج سفید نوعی زندگی زناشویی و برقراری رابطه جنسی بدون ثبت رسمی پیوند ازدواج است که برخی آن را هم‌باشی<sup>۱</sup> نامیده‌اند. این پدیده گرچه در دنیا پدیده جدیدی نیست، اما در ایران به‌عنوان شوکی فرهنگی مطرح شده است. در این نوع ازدواج که در نهادهای دولتی مربوطه یا سازمان‌های دینی ثبت نمی‌شود، زن و مرد با هم زندگی می‌کنند و کارهای مربوط به خانواده بر دوش هر دو است، هر چند از نظر قانونی زن و شوهر رسمی محسوب نمی‌شوند. (رضایی، ۱۳۹۵: ۱/۶)

ریشه‌های گرایش به ازدواج سفید، شکلی از زندگی در فرهنگ غرب است. این پدیده نخستین بار در ایالات متحده آمریکا و در پی جنبشی پدیدار شد که «جنبش آزادی زن» نام داشت. این جنبش ظاهراً با هدف ایجاد تحول در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه

آمریکا انجام شد و هدف آن برقراری شرایط عادلانه و برابر برای زنان بود؛ اما آنچه واقعاً اتفاق افتاد پدیده‌ای بود که بعدها «انقلاب جنسی» نام گرفت و نتیجه آن رواج رفتارهای ناهنجار و نامتعارفی بود که به غلط آزادی زنان نام گرفت (قائم‌مقامی، ۱۳۹۸: <https://pezeshekhoob.com>) که با فرهنگ، شرع و قانون در جامعه ما هماهنگی ندارد و نوعی هم‌زیستی با نامحرم است که بنیان زندگی خانوادگی را از بین برده و فقط تأمین نیازهای جنسی را به‌خصوص برای مردان در پی دارد.

شهید مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام در خصوص مسئله حقوق زنان می‌گوید: نهضتی که در اروپا برای احقاق حقوق پایمال‌شده زن صورت گرفت به دلیل اینکه دیر به این فکر افتاده بودند، با دستپاچگی و عجله زیادی انجام گرفت. این نهضت یک سلسله بدبختی‌ها را از زن گرفت و حقوق زیادی به او داد و درهای بسته‌ای را به روی او باز کرد؛ اما در عوض، بدبختی‌ها و بیچارگی‌های دیگری برای خود زن و برای جامعه بشریت به وجود آورد. (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۷۲) به همین دلیل شهید مطهری از آن به نهضت عجولانه یاد کرده است. بنابراین می‌توان گفت: ازدواج سفید هم یکی از مصادیق بارز آن -نهضت عجولانه- است.

این نوع ازدواج در کشورهای غربی تفاوت‌های بنیادین و اساسی با ازدواج سفید در کشور اسلامی ایران دارد. به این صورت که: در ازدواج سفید کشورهای غربی و برخی کشورهای دیگر، شرکای این زندگی، آدرس محل زندگی و مشخصات خود را به‌طور کامل به پلیس محلی اعلام کرده و مراتب در اداره پلیس ثبت می‌شود تا در صورت بروز اختلاف، فرزنددار شدن، جداشدن و موارد مشابه، رفع تنازع شود. (کد خبر: ۳۲۳۲۲، ۱۳۹۵: [www.qazvin.info](http://www.qazvin.info))

از نظر توافقات شیوه زندگی، همه‌چیز روشن بوده و هریک از آنان با درصد توافق شده، در این روش زندگی ایفای نقش می‌کنند. اگر توافق بر انشقاق و جدایی از یکدیگر کنند، اموال حاصل شده در مدت زندگی مشترک بین آن‌ها تقسیم شده و هریک سهم خود را دریافت کرده و جدا می‌شوند، محاکم قضایی در صورت اطلاع پلیس محلی از این موضوع،

دعاوی این افراد را پذیرفته و استماع می‌کند و زن به همان اندازه حق دارد که مرد، دارای حق است. (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۲۶)

اما در کشور ایران که دارای آیین و فرهنگی برگرفته از آموزه‌های قرآن و سنت است، این نوع ازدواج، به رسمیت شناخته نشده و به دلیل تضاد آن با آموزه‌های اسلامی، ممنوع و غیر شرعی اعلام شده است. بنابراین کشور ایران نه تنها هیچ گونه حمایتی از این نوع ازدواج‌ها نمی‌کند بلکه در صورت شناسایی، با عاملان آن برخورد قانونی هم می‌کند.

## ۲- دلایل ممنوعیت ازدواج سفید در ایران

در کشور ایران ازدواج سفید نوعی زندگی بیگانه است که در فرهنگ و تمدن اسلامی چارچوب‌های شرعی، عرفی و قانونی را زیر پا گذاشته؛ به همین دلیل و دلایل دیگری که به شرح زیر است، این نوع ازدواج ممنوع اعلام شده است.

### ۲-۱- عدم صیغه یا عقد شرعی

ازدواج، پیوندی است که در دین اسلام مورد تأکید قرار گرفته و در فقه از آن به‌عنوان نکاح یاد شده است. یکی از شرایط صحت عقد نکاح، ایجاب و قبول است.

ایجاب در لغت به معنای الزام (محمود، بی تا: ۳۴۰/۱) و کسی که گوینده ایجاب است، «موجب» (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶: ۱/۷۴۵) خود را در برابر انجام عملی، ملتزم می‌سازد و قبول نیز از لفظ «قبل» به معنای موافقت و پذیرش و رضایت است. (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۲۵) شهید اول (۱۳۸۹: ۲/۵۵) و شیخ انصاری (۱۴۱۵: ۲۰۸) در این باره می‌گویند: ایجاب عقد نکاح عبارت است از «زوجتك» (تو را به ازدواج خود در آوردم)، «انکحتک» (تو را به نکاح خود در آوردم) و «متعکتک» (تو را به نکاح خود در آوردم) و قبول آن عبارت است از «قبلت التزویج او النکاح».

از سویی دیگر یکی از ارکان مهم در ایجاب و قبول در عقد نکاح این است که ایجاب و قبول باید به‌طور لفظی واقع شود، و گرنه رابطه زوجیت ایجاد نمی‌شود. (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۵۴/۳۰؛ جمعی از مؤلفان، بی تا: ۶۴/۴۳) بنابراین نکاح معاطاتی (نکاح بدون صیغه یا لفظ)

به دلیل اینکه ایجاب و قبول لفظی ندارد و فقط به اعلام توافق و تراضی طرفین بسنده شده، بطلان آن مورد اجماع فقها قرار گرفته است. (طاهری، ۱۴۱۸: ۱۲۰/۳) به عنوان مثال، امام خمینی رحمته الله علیه (۱۳۸۶: ۲/۲۶۴) می‌فرماید: «ازدواج بر دو قسم است: دائم و منقطع و هر کدام از این‌ها محتاج عقدی است که دارای ایجاب و قبول لفظی باشند که بر انشای معنای مقصود و انشای رضایت به آن به طوری که در نزد اهل محاوره معتبر است، دلالت نمایند؛ پس مجرد رضایت قلبی دو طرف کافی نیست.»

آیت‌الله مکارم شیرازی (۱۴۲۴: ۱/۸۹) هم در این باره می‌گویند: «از زمان پیغمبر به این طرف، نکاح معاطاتی در بین مسلمین نداریم، پس معاطات را هم به دلیل مخالفت با سیره و اجماع کنار می‌گذاریم.»

بنابراین ازدواج سفید مهم‌ترین ارکان عقد نکاح را ندارد، چرا که در حقیقت عقدی بین طرفین صورت نمی‌گیرد و در نتیجه زوجیتی هم حاصل نمی‌شود. بنابراین عدم جاری شدن صیغه، یکی از دلایل ممنوعیت آن در کشور ایران است.

## ۲-۲- مخالفت با قوانین ایران

در قانون مدنی که برگرفته از فقه اسلام است، در ماده ۱۰۶۲ تصریح شده که، «نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید». بنابراین قانون مدنی نیز جاری شدن صیغه عقد را بین زن و مردی که می‌خواهند با یکدیگر ازدواج کنند، ضروری می‌داند، اگرچه در ماده ۱۰۹۳ معاطات را پذیرفته اما ازدواج را از آن استثنا نموده و در توضیحات ذیل ماده ۱۰۶۲ صریحاً بیان نموده که نکاح با معاطات واقع نمی‌شود. بنابراین ازدواجی که در آن صیغه عقد جاری نشود بر طبق قانون مدنی ایران ممنوع اعلام شده است. همچنین در ماده ۲۰ و ۲۱ قانون حمایت از خانواده، مصوب ۱۳۹۳، به صراحت از نکاح دائم و موقت یاد شده و مبنای تشکیل خانواده را بر پایه این دو نوع ازدواج مورد حمایت قرار داده و نامی از ازدواج سفید به میان نیاورده است. این خود می‌تواند دلیلی بر قانونی نبودن این نوع ازدواج باشد؛ چرا که هیچ حمایتی در قوانین حمایت از خانواده، از ازدواج سفید نشده است.

### ۳- پیامدهای ازدواج سفید

یکی از راه‌های شناخت هر موضوعی، شناخت و آشنایی با پیامدها و آثاری است که فرد و جامعه به آن دچار می‌شوند. مقوله ازدواج سفید هم فارغ از این مسئله نیست. اگرچه نام آن زیبایی خاصی را در خود متبلور ساخته و جوانان را مجذوب خود کرده، اما در باطن، خطرات و پیامدهای گاه جبران‌ناپذیری را به‌خصوص برای قشر زنان به دنبال دارد که مهم‌ترین این آسیب‌ها عبارت است از:

#### ۳-۱- عدم تعلق حقوق مالی به زن

زن و مرد با ازدواج و تشکیل خانواده نسبت به یکدیگر حقوق مالی پیدا می‌کنند. بنابراین حقوق مالی که برای زن پس از ازدواج پدید می‌آید عبارت است از:

##### ۳-۱-۱- مهریه

مهریه مال معینی است که از طرف شوهر در برابر «همسری» به زن تملیک می‌شود، خواه عین باشد یا منفعت. (شهید اول، ۱۳۸۹: ۷۷/۲؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۲۵۶) قرآن کریم در تأیید این حق مالی زن، با لطافت بی‌نظیری می‌فرماید: ﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً...﴾؛ (نساء، ۴) و مهر زنان را به‌عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید.

بنابراین مهریه یا صداق، مالی است که به‌وسیله عقد ازدواج به‌طور متزلزل به ملکیت زن درمی‌آید و با چهار چیز ملکیت آن مستقر می‌شود: ۱. مرتد شدن شوهر به ارتداد فطری؛ ۲. مرگ شوهر؛ ۳. نزدیکی، که این تملک برای زن ناشی از حکم شرع و قانون است. (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۹۵: www.hawzah.net)

در فقه شیعه از سه نوع مهریه نام برده شده که عبارت است از: مهرالمسمی، مهرالمثل و مهرالمتعّه؛ که اگر در هنگام عقد میزان را معین کنند، مهرالمسمی و اگر معین نکنند و نزدیکی صورت بگیرد، مهرالمثل تعلق می‌گیرد. در مهرالمثل، حال زن در شرافت و زیبایی، عقل و بکارت، حسب و نسب و دارایی و نظایر این‌ها و از جمله عادات خویشاوندان او در آن شهر یا نزدیک به آن شهر (که در عرف و عادت تفاوتی نباشد) را در نظر می‌گیرند و در صورتی که طلاق پیش از نزدیکی صورت گیرد و مهر معین نشده باشد، مهرالمتعّه به زن تعلق

می گیرد. (شهید اول، ۱۳۸۹: ۷۸/۲)

همچنین در فقه ذکر شده که نکاح منقطع، اعتبار نکاح دائم را ندارد و به طور مکرر در کتاب‌های فقهی آمده است که یکی از اهداف این زناشویی، تمتع و انتفاع است نه ایجاد نسل و مهری که به زن داده می‌شود در عوض انتفاع مرد از اوست؛ (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۹۵: www.hawzah.net) بنابراین در نکاح منقطع باید میزان مهر معین شود، در غیر این صورت طبق ماده ۱۰۹۵ قانون مدنی، عقد باطل است.

در قانون مدنی نیز بدون تعریف مهریه، موادی از آن به مهریه و اقسام و احکام و آثار آن اختصاص داده شده است؛ (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۱۲۴) ولی با این حال، حقوق‌دانان مهریه را مالی دانسته‌اند که مرد به مناسبت عقد نکاح به دادن آن ملزم می‌شود. (صفایی و امامی، ۱۳۸۴: ۱۴۱)

همچنین در قانون مدنی، مهریه از نتایج قانونی بودن ازدواج دائم معرفی شده و توافق طرفین در مقدار و کیفیت آن است؛ بنابراین اگر در نکاح دائم، مهر ذکر نشده باشد یا عدم مهر شرط شده باشد، نکاح صحیح و طرفین می‌توانند بعد از عقد مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تعیین مهر بین آن‌ها نزدیکی واقع شود، زوجه مستحق مهرالمثل است (ماده ۱۰۸۷) و برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و... در نظر گرفته شود. بنابراین طبق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، به مجرد وقوع عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.

حال در ازدواج سفید چون عقدی صورت نمی‌گیرد و توافقی بین زن و مرد است، بنابراین مهریه‌ای به زن تعلق نمی‌گیرد، نه شرعاً و نه قانوناً. هرچند انتفاع مرد از زن انجام می‌گیرد و در این گونه ازدواج‌ها این خانم‌ها هستند که ضرر می‌کنند؛ زیرا اگر شرعاً عقد بسته شود یکی از مهرهای سه‌گانه به آن‌ها تعلق می‌گیرد.

۳-۱-۲- نفقه

در فقه اسلامی بیان شده، نفقه عبارت است از مایحتاج زن از جمله غذا، البسه، مسکن،

خادم و وسایل آشپزی که به طور متعارف با وضعیت زن در آن شهر متناسب باشد. (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱/۳۳۰) بعضی از فقها مصادیق دیگری هم به آن اضافه نموده‌اند؛ مثل وسایل تنظیف و آرایش از جمله کرم، شانه و... (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۴۹۶/۵)

به نظر می‌رسد مفهوم نفقه مفهومی کاملاً عرفی است و شارع مقدس آن را به عرف واگذار نموده است.

در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی بیان شده که مصادیق نفقه عبارت است از «مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا».

با تفصیل فوق می‌توان گفت: نفقه زمانی به زن تعلق می‌گیرد که رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار باشد؛ چراکه با ازدواج، زوجین نسبت به یکدیگر حقوق و تکالیف مالی و غیرمالی پیدا می‌کنند، از جمله نفقه. بنابراین نفقه یکی از حقوق مالی و واجب زن بر مرد است به گونه‌ای که در قرآن کریم آیات متعددی دلالت بر وجوب نفقه زن می‌کند؛ از جمله: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ﴾؛ (نساء، ۳۴) مردان سرپرست زنان‌اند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده... .

همچنین در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «اگر مردی که دارای همسر است پوشاک زن را تأمین نکند، امام می‌تواند آن‌ها را از هم جدا کند». (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۱۵/۲۲۳)

در فقه اسلامی برای تعلق نفقه به زن شرایطی از جمله دائمی بودن ازدواج، (در ازدواج موقت نفقه به زن تعلق نمی‌گیرد) اطاعت از شوهر و قابلیت کام‌جویی پیش‌بینی شده است. (شهید اول، ۱۳۸۹: ۲/۹۶) سخن امام خمینی رحمته الله علیه (۱۳۸۶: ۷۵۳) شاهد بر این مدعاست که می‌فرماید: «إِنَّمَا تَجِبُ نَفَقَةُ الزَّوْجَةِ عَلَى الزَّوْجِ بِشَرْطِ أَنْ تَكُونَ دَائِمَةً، فَلَا نَفَقَةَ لِلْمَنْقُطَةِ، وَأَنْ تَكُونَ مُطِيعَةً لَهُ فِيمَا يَجِبُ إِطَاعَتَهَا لَهُ، فَلَا نَفَقَةَ لِلنَّاشِزَةِ، وَلَا فَرْقَ بَيْنَ الْمُسْلِمَةِ وَالذَّمِّيَّةِ».

قانون مدنی هم در خصوص وجوب نفقه زن بر مرد به تبعیت از فقه اسلامی بیان می‌دارد: عقد دائمی باشد، (ماده ۱۱۰۶) - زیرا در عقد موقت زن حق نفقه ندارد مگر شرط شده باشد - (ماده ۱۱۱۳) زن کاملاً مطیع شوهر باشد و در امر زناشویی بدون عذر شرعی سرپیچی نکند

(ماده ۱۱۰۸) بنابراین زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند. در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد. (ماده ۱۱۱۱)

در ازدواج سفید عملاً اطاعت از شوهر و قابلیت کام‌جویی وجود دارد، هم‌چنان که در فقه و قانون تصریح شده است؛ اما چون این نوع ازدواج نه مطابق قانون است و نه شرع و از سویی دیگر فاقد شرط اول یعنی دائمی بودن ازدواج است، بنابراین هیچ حمایتی از حقوق زن در آن منظور نشده و عملاً مرد هیچ تکلیفی در دادن نفقه به زن ندارد و بنابراین طرفین باید هزینه‌ها را طبق تعهد به صورت مشترک پرداخت نمایند.

۳-۱-۳- ارث

ارث یکی دیگر از حقوق مالی بین زن و شوهر است که با ازدواج بین آن دو برقرار می‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ...﴾؛ و نیمی از میراث همسرانتان از آن شما [شوهران] است اگر آنان فرزندی نداشته باشند و اگر فرزندی داشته باشند، یک‌چهارم ماترک آنان از آن شماست... در این آیه چگونگی ارث زن و شوهر، از یکدیگر را توضیح می‌دهد. (قرآنی، ۱۳۸۳: ۲/۲۵۳)

بنابراین خداوند در نظام ارث اهمیت زیادی برای زوجیت قائل است به گونه‌ای که یکی از اسباب موجب ارث را زوجیت قرار داده است (بصری بحرانی، ۱۴۱۳: ۲۴۷/۷؛ محمدی خراسانی، بی‌تا: ۳۳۱/۲) و آن را با تمامی طبقات ارث جمع کرده و در همه حالات، سهم زوجیت را از نقصان حفظ نموده است. بنابراین زوجیت موجب ارث و سبب توارث میان زوجین است؛ پس قوام زوجیت از نظر عرف به عقد ازدواج است و مراد از آن عقد صحیح است. بنابراین میان دو نفر که رابطه نکاح وجود ندارد ارث منتفی است. (غفوری، ۱۳۹۰: ۶۵/۶۷) قانون مدنی نیز در ماده ۹۴۶ مقرر می‌دارد که «زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد لکن زوجه از اموال ذیل: ۱- از اموال منقول از هر قبیل که باشد؛ ۲- از ابنیه و اشجار».

در ماده ۹۴۷ نیز آمده: «زوجه از قیمت ابنیه و اشجار ارث می‌برد و نه از عین آن‌ها و

طریقه تقویم آن است که ابنیه و اشجار با فرض استحقاق بقاء در زمین بدون اجرت تقویم می‌گردد.»

همچنین ماده ۸۶۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «موجب ارث دو امر است: نسب و سبب» و این در حالی است که در ازدواج سفید که امروزه رایج شده به دلیل عدم زوجیت که ناشی از اجرائشدن صیغه عقد بین آنها است؛ در فرض فوت یکی از طرفین، از یکدیگر ارث نمی‌برند؛ زیرا رابطه سببی که یکی از موجبات ارث است، بین طرفین وجود ندارد.

### ۳-۲- وجود فرزندان نامشروع و افزایش سقط جنین

نسب مشروع نسبی است که از نکاح صحیح پدید می‌آید و میان صاحبان نطفه زوجیت برقرار است. در حقوق ایران هم نسب، زمانی مشروع است که هنگام انعقاد نطفه، رابطه زوجیت میان زن و مرد وجود داشته باشد. (امامی و صفایی، ۱۳۸۴: ۲۷۷) حال بر اساس نظام حقوقی اسلام، طفل ناشی از روابط آزاد، منتسب به پدر و مادر نمی‌شود و هیچ‌گونه رابطه حقوقی با آنان ندارد؛ زیرا حفظ نسب که یکی از مقاصد کلان شریعت است، با این‌گونه روابط نامشروع، دچار اختلال می‌شود (ایزدی‌فر و مهاجرانی، ۱۳۹۱: ۱۲/۲۹) و در این میان فرزندان بی‌پدر و بی‌خانواده، باقی می‌مانند که نه آن‌ها از والدین ارث می‌برند و نه والدین از آن‌ها. اگرچه سایر حقوق این کودکان چون بقیه کودکان است، اما معمولاً کسی حضانت آنان را بر عهده نمی‌گیرد، مگر اینکه پروسه پیچیده قانونی طی شود. در این موارد سپردن حضانت به مادر محتمل‌تر است و زن چه از نظر روانی و چه از نظر حقوقی شکست خورده و بلا تکلیف باقی می‌ماند. (کد خبر: ۴۹۹۳۶۶۸، ۱۳۹۵، [www.yjc.ir](http://www.yjc.ir))

از سویی دیگر در ازدواج سفید چون بین زن و مرد روابط جنسی وجود دارد، احتمال بارداری زنان ممکن است؛ بنابراین باید به این واقعیت اجتماعی توجه کرد که فرهنگ جامعه اسلامی، فرزندان نامشروع را نمی‌پذیرد و به مادران آنان نیز با دیده تحقیر می‌نگرد. بنابراین چنین افرادی معمولاً اقدام به سقط جنین‌های غیربهداشتی می‌نمایند و گاه خود را به مخاطرات جدی روبه‌رو می‌سازند، (نوذری فردوسی، ۱۳۸۴: ۶۶/۲۸) چنان‌که آمارها در سال ۱۳۹۳ از وقوع روزانه هزار مورد سقط جنین در کشور خبر داده و آمار سقط‌های

غیرقانونی را ۱۵۰ تا ۳۵۰ هزار مورد اعلام کرده بود. این‌ها تنها آمارهای رسمی از سقط‌جنین غیرقانونی است (۱۳۹۵: www.ghatreh.com) و در سال ۹۴ نیز از ۲۲۰ هزار سقط‌جنین صورت گرفته، تنها ۶ هزار سقط، قانونی بوده است. (۱۳۹۵: www.alodoctor.ir)

### ۳-۳- رواج روابط نامشروع

روابط نامشروع به هر رابطه‌ای که اسلام آن را مجاز نمی‌شمارد، اطلاق می‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا...﴾؛ (انعام، ۱۵۱) به کارهای زشت چه علنی آن و چه پوشیده [اش] نزدیک مشوید.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید:

کلمه «فواحش» جمع «فاحشه» است که به معنای کار بسیار زشت و شنیع است و خدای تعالی در کلام خود، زنا و لواط و نسبت زنا به مردان و زنان پاک‌دامن را از مصادیق «فاحشه» شمرده و از ظاهر کلام برمی‌آید که مراد از «فاحشه ظاهری» گناه علنی و مقصود از «فاحشه باطنی» گناه سری و روابط نامشروع برقرار کردن در پنهانی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۱۷/۷) آیت‌الله مکارم شیرازی نیز می‌گوید: «فواحش» جمع «فاحشه» به معنای گناهی است که فوق‌العاده زشت و تنفرآمیز است و امثال این‌ها. بنابراین به مردم اخطار می‌کند که به آن‌ها نزدیک نشوند تا تحت تأثیر وسوسه‌های شدیدشان قرار نگیرند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۳۵/۶)

این‌گونه امور از بزرگ‌ترین موارد علاقه نفس است، نفس از محرومیت درباره آن‌ها طبعاً سخت ناراحت است، طبیعت بشر طوری است که اگر به خود واگذار شود به سرعت فحشا را در بین افراد خود شیوع می‌دهد، شیوع فحشا باعث انقطاع نسل و فساد جامعه و خانواده است و با فساد خانواده‌ها، جامعه کبیر انسانی از بین می‌رود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۱۷/۷)

رابطه نامشروع جنسی مفسد و زیان‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی فراوانی را به دنبال دارد و بنابراین در اسلام حرام شده است. گوشه‌ای از مفسد زنا از این قرار است:

۱- سرچشمه بسیاری از درگیری‌ها، خودکشی‌ها، فرار از خانه‌ها، فرزندان نامشروع، بیماری‌های مقاربتی و دلهره برای خانواده‌های آبرومند است.

۲- چون برای شهوت رانی سراغ یکدیگر می‌روند، میانشان انس و الفت عمیق و آرامش نیست.

۳- طرف مقابل را شریک زندگی نمی‌دانند، وسیله اطفای شهوت می‌دانند.

۴- سبب کاهش تشکیل خانواده از طریق ازدواج و موجب به وجود نیامدن ارتباط‌های فAMILI و قطع صله رحم است؛ زیرا بی‌رغبتی به ازدواج را در پی دارد.

۵- احساس تعهد و تکلیف نسبت به بقای نسل و تربیت کودک نیست و احساس پدری و مادری از میان می‌رود.

۶- نظام ارث‌بری را بر هم می‌زند و وارث واقعی معلوم نمی‌شود. (قرآنی، ۱۳۸۳: ۵۳/۷)  
 بنابراین ازدواج سفید از آنجا که وجه شرعی و قانونی ندارد، اگر رابطه‌ای میان زن و مرد بر این اساس واقع شود و اگر به حد دخول برسد، جرم زنا محقق می‌شود و بر اساس ماده ۲۳۰ حد زنا در مواردی که مرتکب، محصنه باشد موجب اعدام وی می‌شود و اگر غیر محصنه باشد، صد ضربه شلاق است. اگر به حد دخول نرسد (مادون زنا) اگرچه نام زنا بر آن نهاده نمی‌شود، اما در فقه اسلامی و قوانین جزایی کشور جرم محسوب شده و دارای مجازات است و فرد تعزیر می‌شود.

امام خمینی علیه السلام (۱۳۸۶: ۴۹۳/۲) در این باره فرموده است: «در بوسیدن و با هم خوابیدن و معانقه و غیر این‌ها - غیر این‌ها از استمتاع - غیر از عورت - تعزیر است و حدی در آن‌ها نیست، کما اینکه در تعزیر، تحدیدی نیست.» همچنین ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می‌دارد: «هرگاه زن و مردی که بین آن‌ها علاقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل و مضاجعه شوند، به شلاق تا ۹۲ ضربه محکوم خواهند شد.»

### ۳-۴- عدم مسئولیت‌پذیری

گزاره‌هایی همچون «تعهد» جزء جدانشدنی ازدواج است. بنابراین ازدواج زمانی به رسالت خود در تعالی بخشی فرد و اجتماع ادامه می‌دهد که عنصر «تعهد» را همواره با خود داشته باشد و نمی‌توان هر زوجیتی را ازدواج نامید؛ زیرا معنای لفظ ازدواج دارای معنای مثبت

است و هیچ ضرری در نهاد آن وجود ندارد.

در حالی که اگر دو فرد بخواهند با یکدیگر بدون سرنهادن به عنصر «تعهد» زندگی کنند، آن وقت است که موجبات نزول معنوی، عاطفی و شخصیتی خویش را فراهم نموده و فقط تمرکز خویش را بر ارضای نفسانی خویش گذاشته‌اند و همچنین باعث صدماتی به نهاد جامعه می‌شود.

این‌ها افرادی هستند که تعالی را در وجود خویش خواستار نیستند و برای فرار از مسئولیت‌های انسان‌ساز حاصل از ازدواج رو به زوج شدن می‌آورند و مقدمات آسیب به نهاد خویش و غیر و همچنین نهاد جامعه را فراهم می‌کنند. (www.iqna.ir: ۱۳۹۵)

بنابراین در ازدواج سفید چون تعهد یا مسئولیت‌پذیری طرفین وجود ندارد خیلی راحت‌تر می‌توانند رابطه خود را پایان بدهند بدون اینکه اتفاقی افتاده باشد و یا از همدیگر انتظار و توقعی داشته باشد.

### ۳-۵- تهدید خانواده

خانواده بنیاد بسیار مهم و حائز اهمیتی است. در فرهنگ اسلامی احترام و منزلت بسیاری دارد؛ چنان‌که قرآن کریم نیز در این باره می‌فرماید: «از نشانه‌های او اینکه از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آن‌ها آرام گیرید و میانتان دوستی و مهربانی نهاد». (روم، ۲۱)

هدف اصلی تشکیل خانواده را نمی‌توان برخورداری از منافع مادی و حیوانی دانست. مقام انسان والاتر از این‌گونه کارهاست. انسان آمده تا با علم و عمل صالح و اخلاق نیک، نفس خویش را پرورش دهد و در راه کمال و صراط مستقیم گام بردارد، بنابراین باید در زندگی مشترک به همسر خویش به مثابه انسانی مکمل، مبدأ آرامش در مسیر هدفمند و حساب‌شده نگریست. (حسینی، ۱۳۸۹: ۱۳)

همچنین تربیت نسل بشر و ایجاد انسان‌های سالم از لحاظ معنوی و فکری و روانی، از فواید وجود خانواده، فایده منحصر به فردی است. (علی‌اکبری، ۱۳۸۳: ۲۵)

بنابراین خانواده همان چارچوب‌هایی است که اساس هم‌زیستی و همدلی و هم‌زبانی را تشکیل می‌دهد. (www.dana.ir: ۱۳۹۵)

اما پایه و اساس ازدواج سفید در کام‌جویی جنسی و فرار از مسئولیت، عدم تعهد در برابر افرادی که در آینده به دنیا می‌آیند خلاصه می‌شود. طرفین نه مکمل یکدیگرند و نه پوشاننده عیوب یکدیگر و نه موجب آرامش یکدیگر می‌شوند. بنابراین ازدواج سفید کانون گرم خانواده را مورد تهدید قرار می‌دهد و موجب حذف سبک زندگی اسلامی و دینی از درون آن است.

### ۳-۶- تنوع‌طلبی و پایبند نبودن به خانواده

یکی دیگر از پیامدهایی که ازدواج سفید به دنبال دارد، کمک به خصلت تنوع‌طلبی در مردان است. روان‌شناسان معتقدند «زن برخلاف مرد از تنوع‌جویی در عشق و لذت‌بیزار است». (۱۳۹۵: www.rahafun.com) شهید مطهری در این باره می‌گوید: «مرد بنده شهوت است و زن اسیر محبت. آنچه مرد را می‌لغزاند و از پا درمی‌آورد شهوت است و زن به اعتراف روان‌شناسان، صبر و استقامتش در مقابل شهوت از مرد بیشتر است.» (مطهری، بی‌تا: ۹۲/۱۹) ایشان در جای دیگری می‌گویند:

«زیست‌شناسی و روان‌شناسی مرد و زن متفاوت است و خلقت از این تفاوت هدف داشته است و به همین جهت نباید تساوی حقوق انسانی زن و مرد را بهانه برای تشابه و یکنواختی حقوق آن‌ها قرار داد. از نظر روحیه تک‌همسری نیز قطعاً زن و مرد روحیه‌های متفاوتی دارند. زن طبعاً تک‌شوهر است؛ چندشوهری ضد روحیه اوست. نوع تمنیات زن از شوهر با چندشوهری سازگار نیست؛ اما مرد طبعاً تک‌همسر نیست، به این معنی که چندزنی ضد روحیه او نیست. چندزنی با نوع تمنیاتی که مرد از وجود زن دارد ناسازگار نیست.» (مطهری، ۱۳۷۹: ۳۳۵)

اما مرد امروز از تعدد زوجات روگردان است، چرا؟ آیا به دلیل اینکه می‌خواهد به همسر خود وفادار باشد و به یک زن قناعت کند یا به دلیل اینکه می‌خواهد حس تنوع‌طلبی خود را از طریق گناه - که به حد اشباع، وسیله برایش فراهم است - ارضا نماید؟ امروز گناه جای تعدد زوجات را گرفته، نه وفا و به همین دلیل مرد امروز سخت از تعدد زوجات که برای او تعهد و تکلیف ایجاد می‌کند متنفر است. مرد دیروز اگر می‌خواست هوس‌رانی کند راه گناه چندان

برای او باز نبود و ناچار بود تعدد زوجات را بهانه قرار داده، هوسرانی کند. در عین اینکه شانه از زیر بار بسیاری از وظایف خالی می‌کرد، از انجام بعضی تعهدات مالی و انسانی درباره زنان و فرزندان چاره‌ای نداشت؛ اما مرد امروز هیچ الزام و اجباری نمی‌بیند که کوچک‌ترین تعهدی در زمینه هوسرانی‌های بی‌پایان خود بپذیرد. مرد امروز هر چند صباح یک‌بار معشوقه خود را عوض می‌کند بدون اینکه احتیاجی به تشریفات مهر و نفقه و طلاق داشته باشد؛ زیرا او همیشه سکرتر موبور جوان زیبایی در کنار خود دارد و هر چند سال یک‌بار آن را عوض می‌کند. با چنین امکاناتی چه حاجت به تعدد زوجات؟ (مطهری، بی تا: ۱۹/۳۶۴)

در نتیجه می‌توان گفت: ازدواج سفید همان گناهی است که جای تعدد زوجات را گرفته و در این نوع ازدواج که بر اساس حس تنوع‌طلبی مرد است، اگر مرد به عللی زوجه خویش را مطابق با معیارهای خویش نیافت، او را به راحتی رها کرده و سراغ گزینه دیگری می‌رود.

### ۳-۷- از دست دادن موقعیت ازدواج

بیشتر از ۹۰ درصد رابطه دختر و پسرها در این نوع ازدواج به ازدواج رسمی نمی‌رسد؛ چون معمولاً خود پسر یا خانواده او حاضر نمی‌شوند چنین دختری که با پسرشان در ارتباط است را برای پسر خود بگیرد. آن درصد باقیمانده نیز اگر به ازدواج ختم شود به این دلیل بوده که دختر از نظر سطح خانوادگی و مالی بالاتر از خانواده پسر است و پسر به این دلیل ازدواج می‌کند تا از امکانات دختر و خانواده‌اش به نفع خود بهره‌بردارد؛ بنابراین: «دخترها در جامعه ما ضرر می‌کنند چون فرهنگ جامعه ما این چنین است که وقتی دختری با پسری در رابطه باشد بعد از پایان یافتن آن رابطه کسی به سراغش نخواهد رفت و این اتفاق ضربه سنگینی خواهد بود که بر دختران جامعه وارد می‌شود». (۱۳۹۵: www.tanzimekhanevadeh.com)

### ۴- راهکارها

با اینکه دین مبین اسلام، ازدواج را یکی از راه‌های رشد انسان به سمت قرب‌الی‌الله می‌داند، اما ازدواج سفید نهی و آن را مخالف با قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اعلام می‌کند؛ بنابراین مقابله با آن -ازدواج سفید- از وظایف هر مسلمانی است که راه‌های آن عبارت است

#### ۴-۱- فراهم کردن زمینه ازدواج

یکی از مواردی که منجر به کاهش این آسیب اجتماعی می‌شود، تشویق جوانان به امر ازدواج است. این امر محقق نمی‌شود مگر با انجام سری اقداماتی مثل بیان آیات و روایات در خصوص اهمیت ازدواج از سوی علما و روان‌شناسان و همچنین بیان فواید تسریع در ازدواج و زیان تأخیر آن از قبیل حفظ و تقویت ایمان و معنویات، بهره‌مند شدن از دوران شیرین و بانشاط نوجوانی، پاک ماندن از فسادها و انحرافات جنسی، محفوظ ماندن از بیماری‌های عصبی و روانی. (www.wikipedia.org:۱۳۹۵)

یکی دیگر از راه‌هایی که می‌توان ازدواج را ترویج داد، وساطت افرادی است که می‌توانند معرفت باشند. این کار هم دارای اجر و پاداش است و هم در ایجاد محیطی سالم و دور از فساد کمک می‌کند؛ چراکه در خصوص اهمیت این مسئله امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید «کسی که مجردی را ترویج کند و امکان ازدواج او را فراهم نماید از کسانی است که در قیامت خداوند به آنان نظر لطف می‌کند.» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۵/۲۰)

از سویی دیگر سخت‌گیری در امر ازدواج به بهانه انجام آداب و رسوم، آبروداری، حفظ حیثیت و ارزش نهادن بر دختر و پسر و...، شیرین‌ترین حادثه زندگی جوانان را به کابوسی وحشتناک تبدیل کرده است. نتایج تلخ این نگاه بیمار، تعداد زیادی از جوانان را از تشکیل زندگی ناامید کرده و تعداد فراوان دیگری را با مشکلات زیادی در آغاز راه روبه‌رو کرده است. بنابراین باید خانواده‌ها این سنت الهی و آسمانی را از قیدوبند زنجیرهای جاهلی نجات بخشند و میدان زندگی را برای خوشبختی جوانان هموار سازند. (www.farsi.ir، ۱۳۹۵)

(kamenei.ir)

#### ۴-۲- ایجاد اشتغال

بی‌کاری، خود یکی از عواملی است که جوانان را به سوی ازدواج سفید سوق می‌دهد؛ چراکه افرادی که درآمدی ندارند، قدرت تأمین هزینه‌های زندگی مشترک را ندارند که یا باید ازدواج نکنند و نیازهای خود را از طرق دیگر تأمین کنند که ازدواج سفید می‌تواند یکی

مصدق بارز آن باشد؛ بنابراین دولت و متصدیان آن باید زمینه کار و تلاش را در جامعه برای جوانان فراهم نمایند و یکی از راه‌های آن می‌تواند حذف سیستم چندشغلی در ایران باشد.

### ۴-۳- ازدواج موقت

اسلام راه‌حل مشکل جنسی را (مخصوصاً برای جوانان) و برای تمام کسانی که به علتی قادر به ازدواج دائم نیستند، نشان داده و پیشنهاد ازدواج موقت را می‌کند. به عبارت دیگر زن و مردی که به هم علاقه‌مندند بدون اینکه زیر بار تعهدات سنگین ازدواج دائم و همیشگی بروند، می‌توانند برای مدت محدودی عقد ازدواج موقت برقرار سازند و آن را درست مانند ازدواج دائم محترم بشمارند. (مترجمان، ۱۳۷۷: ۵۲/۲)

شهید مطهری متعه را به‌عنوان یکی از قوانین مترقی اسلام (شیعه) مطرح نمود. ایشان می‌فرمایند:

یکی از قوانین درخشان اسلام از دیدگاه مذهب جعفری که مذهب رسمی کشور ماست، این است که ازدواج به دو نحو می‌تواند صورت بگیرد: دائم و موقت. تفاوت اصلی و جوهری ازدواج موقت با ازدواج دائم در این است که ازدواج موقت از لحاظ حدود و ثغور آزاد است، یعنی وابسته به اراده و قرارداد طرفین است، حتی موقت بودن آن نیز در حقیقت نوعی آزادی به طرفین می‌بخشد و زمان را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. (مطهری، بی‌تا: ۶۲/۱۹)

در موارد بسیاری به دلایل مختلف، مردم قادر بر نکاح دائم نیستند. به‌عنوان مثال نمونه‌هایی از آن را برمی‌شماریم:

- ۱- نکاح دائم هزینه زیادی می‌خواهد که تهیه آن مشکل است.
- ۲- به دلیل اشتغال به تحصیل و نداشتن شغل و کسب و کار، مرد آمادۀ نکاح دائم نیست؛ چون نکاح دائم نفقه و مسکن و... می‌خواهد و او هم ندارد.
- ۳- به دلیل مسافرت‌های طولانی و دوری از اهل و عیال، نیاز جنسی دارد؛ اما چنان نیست که در بلاد غربت بخواهد خانواده جدیدی تشکیل داده و نکاح دائم کند.
- ۴- به دلیل مأموریت‌هایی که به مناطق دوردست می‌رود و از خانواده خود دور می‌ماند

مانند سربازان؛ همان گونه که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این ضرورت‌ها بود که چند مورد از آن در روایات عامّه آمده و حضرت به سربازانی که از خانواده خود دور بودند اجازه نکاح موقت را دادند.

۵- همسری دارد که مبتلا به بیماری و یا باردار است و دوران بارداری سختی را می‌گذراند، به طوری که قادر به حرکت نیست و چند ماهی باید با او آمیزش نداشته باشد، در حالی که ممکن است در سنی باشد که میل شدید به آمیزش دارد.

حال در چنین مواردی سه راه وجود دارد: (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۲۰/۵) راه اول: دستور به امساک و تعفف داده شود: ﴿وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا﴾ (نور، ۳۳) راه پارسایی پیشه کند و صبر و استقامت به خرج دهد. این راه در مورد بعضی ممکن است عملی باشد ولی در مورد بسیاری عملی نیست؛ یعنی آن قوت اراده و ایمان و تعفف را نمی‌توان از همه انتظار داشت، خصوصاً از افراد عادی.

بنابراین دسترسی نداشتن به همسر، مجوز گناه نیست، صبر و عفت لازم است و چون افراد غیرمتاهل بیشتر از دیگران در معرض فحشا و منکر هستند، خداوند در فرمان به عفت، آنان را مخاطب قرار داده است. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۸۲/۸)

راه دوم: آزادی جنسی را قائل شویم و بگوییم چنین شخصی برای زنا آزاد باشد. راه سوم: نوعی عقد برای او قائل شویم که مسئولیت‌های ازدواج دائم را نداشته باشد؛ یعنی ازدواجی دارای شروط و ارکان، ولی با مسئولیت‌های کمتر.

بنابراین از این سه راه چاره‌ای جز انتخاب راه سوم نداریم و اگر آیینی برای این مسئله راه‌حلی پیدا نکنند، دین ناقصی خواهد بود، خصوصاً در زمان ما که ویژگی‌های خاصی دارد: ۱- سن ازدواج در زمان ما بالا رفته است؛ ۲- عوامل تحریک در زمان‌های گذشته کم بود، بی‌حجابی و بدحجابی و خودآرایی و اختلاط زن و مرد مثل زمان ما نبود. این دو عامل ایجاد می‌کند که در مورد این مشکل فکری کنیم و دین اسلام به مقتضای ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾ (مائده، ۳) ازدواج موقت را تزویج کرده است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۲۱/۵)

## نتیجه‌گیری

ازدواج سفید در ایران پدیده نوظهوری است که در سال‌های اخیر گریبان‌گیر جوانان ایران شده و زن و مرد بدون جاری‌شدن صیغه عقد، به زندگی مشترک و برقراری روابط زناشویی می‌پردازند. این نوع ازدواج در کشور اسلامی ایران نه وجه شرعی و نه قانونی دارد؛ بنابراین نه تنها حمایتی از این نوع ازدواج نمی‌شود، بلکه اگر چنین ازدواج‌هایی احراز شود با آن برخورد قانونی صورت می‌گیرد. نکته‌ای که در اینجا لازم به ذکر است اینکه این گونه ازدواج‌ها خطرات و پیامدهایی از جمله افزایش روابط نامشروع، فرار از مسئولیت و... دارد که بنیان خانواده و اجتماع را دچار مشکل می‌کند، به‌خصوص که این پیامدها بیشتر قشر زنان را تحت تأثیر قرار داده و زندگی آنان را مختل می‌سازد.

## کتابنامه

\* قرآن کریم.

## الف: کتابها

۱. امامی، اسدالله، صفایی، حسین، ۱۳۸۴، مختصر حقوق خانواده، تهران: میزان.
۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۵، کتاب النکاح، قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۳. بصری بحرانی، زین الدین محمد امین، ۱۴۱۳، کلمة التقوی، ج ۷، قم: جواد ورعی.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۶، حقوق خانواده، تهران: گنج دانش.
۵. جمعی از مؤلفان، بی تا، مجله فقه اهل بیت، ج ۴۳، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
۶. جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
۷. حر عاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۳، وسایل الشیعه، ج ۲۹، قم: مؤسسه آل البیت.
۸. خمینی، روح الله، ۱۳۸۶، تحریر الوسیله، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمته الله علیه).
۹. شمس الدین محمد بن جمال الدین، ابی عبدالله (شهید اول)، ۱۳۸۹، المعة الدمشقیه، ج ۲، ترجمه علی شیروانی، قم: دارالفکر.
۱۰. شبیری زنجانی، موسی، ۱۴۱۹، کتاب نکاح، ج ۷، قم: رأی پرداز.
۱۱. طاهری، حبیب الله، ۱۴۱۸، حقوق مدنی، ج ۳ و ۵، قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین قم.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۷ و ۷، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۳. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰، الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه، ج ۵، قم: داوری.
۱۴. علی اکبری، محمدجواد، ۱۳۸۳، مطلع عشق (گزیده بیانات آیت الله خامنه‌ای به زوج‌های جوان)، تهران: فرهنگ اسلامی.
۱۵. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، ج ۲ و ۵، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۶. قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب اسلامی.
۱۷. مدرسی، محمدتقی، ۱۳۷۷، تفسیر هدایت، ج ۲، ترجمه محمد آرام، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس.
۱۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بی تا، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الاثمه الطهار، ج ۱۵، بی جا.
۱۹. محمود، عبدالرحمان، بی تا، المصطلحات و الألفاظ الفقهیه، ج ۱، بی جا.
۲۰. محمدی خراسانی، علی، بی تا، شرح تبصره المتعلمین، ج ۲، بی جا.
۲۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.
۲۲. بی تا، مجموعه آثار، ج ۱۹، قم: صدرا.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۴، کتاب النکاح، ج ۵، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
۲۴. ....، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، ج ۶، تهران: دارالکتب اسلامی.
۲۵. نجفی، محمدحسن، ۱۴۰۴، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۳۰ و ۳۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

## ب: مقالات

۲۶. ایزدی فر، علی اکبر، مهاجرانی، مریم، ۱۳۹۱، «رویکرد فقهی و حقوقی پیرامون وضعیت اطفال طبیعی»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، س ۶، ش ۲۹.
۲۷. رضایی، حسن، ۱۳۹۵، «ازدواج سفید یا هم‌باشی سیاه»، پایش سبک زندگی، ش ۶.

۲۸. غفوری، خالد، ۱۳۹۰، «قانون توارث زوجین از دیدگاه قرآن کریم»، فقه اهل بیت، ش ۶۵.

۲۹. مینویی، زهرا، ۱۳۹۳، «بررسی ابعاد حقوقی ازدواج سفید»، زن امروز، ش ۵.

۳۰. نوذری فردوسی، محمد، ۱۳۸۴، «سقط جنین در حقوق اسلامی و فمینیسم»، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ش ۲۸.

### ج: پایان نامه

۳۱. حسینی، رقیه، ۱۳۸۹، «نقش زن در تحکیم خانواده»، پایان نامه کارشناسی مدرسه علمیه نرجس، تربت جام: حوزه علمیه خراسان.

### د: سایت ها

۳۲. احمدی، کامیل، ۱۳۹۵/۶/۲۵، «پژوهش جامع در باب ازدواج سفید در ایران»، جمله مطالبات حقوق، س ۲، ش ۲۱، [www.alef.ir](http://www.alef.ir)

۳۳. عظیم زاده اردبیلی، فائزه، ۱۳۹۵/۵/۵، «بررسی اجمالی مهریه روایی و فقهی و حقوقی»، نداه، ش ۲۱ و ۲۲، [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)

۳۴. قائم مقامی، علی، ۱۳۹۸/۶/۳۰، <https://pezeshkekhoob.com>

۳۵. کد خبر: ۴۹۹۳۶۶۸، ۱۳۹۵/۵/۵، [www.yjc.ir](http://www.yjc.ir)

۳۶. کد خبر: ۳۲۳۲۲، ساعت ۵:۱۶، ۱۳۹۵/۶/۲۵، [www.qazvin.info](http://www.qazvin.info)

۳۷. ساعت ۱۴، ۱۳۹۵/۴/۵، [www.iqna.ir](http://www.iqna.ir)

۳۸. ساعت ۱۵، ۱۳۹۵/۴/۴، [www.dana.ir](http://www.dana.ir)

۳۹. ۱۱، ۱۳۹۵/۶/۸، [www.rahafun.com](http://www.rahafun.com)

۴۰. ساعت ۱۰، ۱۳۹۵/۵/۹، [www.tanzimekhanevadeh.com](http://www.tanzimekhanevadeh.com)

۴۱. ساعت ۱۱، ۱۳۹۵/۶/۸، [www.rahafun.com](http://www.rahafun.com)

۴۲. ساعت ۱۵، ۱۳۹۵/۴/۴، [www.dana.ir](http://www.dana.ir)

۴۳. ساعت ۱۴، ۱۳۹۵/۴/۵، [www.iqna.ir](http://www.iqna.ir)

۴۴. ساعت ۱۳، ۱۳۹۵/۵/۴، [www.cafeohugh.com](http://www.cafeohugh.com)
۴۵. ساعت ۱۷، ۱۳۹۵/۶/۸، [www.ghatreh.com](http://www.ghatreh.com)
۴۶. ساعت ۱۹، ۱۳۹۵/۶/۱۰، [www.alodoctor.ir](http://www.alodoctor.ir)
۴۷. ساعت ۱۶:۵، ۱۳۹۵/۶/۲۵، [www.qazvin.info](http://www.qazvin.info)
۴۸. ساعت ۱۵:۱۷، ۱۳۹۵/۶/۲۷، [www.farsi.kamenei.ir](http://www.farsi.kamenei.ir)